

## شَرْمُ الشَّيْخِ !!

سال‌ها بود که هر وقت نام این شهر ساحلی مصر (در دهانه خلیج عقبه که شانزده سالی در اشغال دولت غاصب اسرائیل بود) را از اخبار سیاسی می‌شنیدیم، از خود سؤال می‌کردم؛ "شرم الشیخ" یعنی چه؟! از بی شرمی شیخی شهادت می‌دهد یا از ضرورت شرم برای شیوخ؟! البته اعراب کلمه "حیاء" را که معادل "شرم" در زبان فارسی است به کار می‌برند و کلمه شرم در زبان عربی به خلیج، یا قسمت گود دریا گفته می‌شود.

اما ترکیب این دو کلمه فارسی و عربی همیشه مرا به فکر می‌انداخت، تا این که با شنیدن خطبه‌های نماز جمعه وحدت آفرین!! این هفته تهران و برخی شهرها دیدم چه ترکیب مناسبی بین کلمات دو زبان انجام شده است!

انتظار مردم از فقیهانی که سال‌ها درس اخلاق خوانده و دیگران را به خویشتن داری و تقوای الهی اندرز داده‌اند، به مراتب بیش از کسانی است که هرگز ادعای ارتباط با عوالم غیب و نمایندگی ولایت و فقاقت نکرده‌اند.

کسانی که عمری فقه و اصول خوانده و با میانی قضای اسلامی آشنا شده‌اند باید بهتر بدانند وارد کردن اتهاماتی از قبیل: مرتد، مفسد فی الارض، منافق، محارب، جاسوس بیگانه و ... به کسانی که مطالباتی جز در چارچوب شرع و قانون اساسی ندارند چه عوارض عاقبت سوزی در آخرت خواهد داشت.

به کار بردن عناوین زشتی همچون: بزغاله، گوساله، دلقک، الکی، رفاص، اراذل و اوباش توسط کسانی که خود را در مقام مرجع و مفتی دینی قرار داده‌اند و نهی بسیار شدید سوره اخلاقی "حجرات" را از به کار بردن چنین القابی شنیده‌اند: (...وَلَا تَتَّبِعُوا بِالْأَقْبَابِ بِنِسْمِ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ) بسیار حیرت‌آور است!

نام "احمد" را که "رحمة للعالمین" و موصوف به وصف الهی "انک لعلی خلق عظیم" (تو بر اخلاق عظیمی تکیه داری) بود نباید با "غلیظ القلب" بودن خود و رد کردن تلاش‌های مشفقان برای وحدت و آشتی ملی لکه‌دار کرد؛ و نام "جنتی" را با تقاضای آشد مجازات برای خادمین راستین ملت و تقاضای تعجیل در اعدام آنها نباید نزد خالق و خلقش "جهنمی" نمود!

معنای "علم الهدی" پرچم هدایت است، شما که مخالفینتان را بزغاله و گوساله و ابن‌ملجم می‌خوانید، از کدام آبشخور هدایتی تبعیت می‌کنید؟ از کدام سنت و سیره‌ای از رسول<sup>ص</sup> و خاندانش چنین آموزه‌هایی را فرا گرفته‌اید؟! حداقل از امامی که در آستان شهرش چنین خطبه‌های تفرقه افکنی ایراد می‌کنید شرم کنید. او که نامش "رضا" بود، در حیاتش از دشنام دهندگان راضی نبود.

نام "ایمانی" در شهری که شهره به شعر و ادب است، انتظار "مؤمن" و مؤدب بودن بیشتری می‌طلبد. لازمه ایمان، در حریم "امن" بودن دیگران از دست و زبان مؤمن است. در کدام متن ایمانی به کار بردن القاب: رفاص، دلقک، الکی و ... را در خطبه نماز جمعه از علائم ایمان شمرده‌اند؟

شگفت این که خطیبان جمعه‌ای که مردم را به برادر کشی و جنگ داخلی تشویق می‌کنند، همگی در لفظ نام‌های نیکوئی دارند. اما در روزگاری که به تعبیر امام علی<sup>(ع)</sup> اسلام پوستین وارونه پوشیده می‌شود، اسامی نیز از مسمی‌ها تهی می‌گردند.

شایسته است از همان امامی که ولایتش را دستاویز تولیت‌های تمامیت طلبانه خویش قرار داده‌اند چند فرازی درباره حیاء (همان شرم الشیخ) نقل کنیم:

هر که خطایش افزون تر شود، شرم و آزرش کمتر شود و هر که شرمش کمتر گردد، پارسائی‌اش کمتر شود و هر که پارسائی‌اش کمتر گردد، قلبش بمیرد و هر که قلبش بمیرد به دوزخ داخل گردد، و هر کس به عیب‌های مردم بنگرد و آنها را ناخوش دارد ولی خود مرتکب آنها گردد بی تردید احمق است. (حکمت ۳۴۱ نهج البلاغه)

از جمله ضوابطی که امام علی<sup>(ع)</sup> در منشور حکومتی خود (معروف به عهدنامه مالک اشتر) در بیان ضوابط ضروری برای گزینش کارگزاران حکومتی ذکر کرده‌اند، یکی هم داشتن شرم و حیاء و تجربه است، چه نیکو آن فرزانه مرد حکیم می‌دانست کارگزاران حکومت اگر شرم و حیاء نداشته باشند کشور را به هلاکت می‌برند:

"کارگزارانت را از میان اهل تجربه و شرم برگزین و از خانواده‌های صالح، از آنها که در اسلام پیشتاز(نه ارتجاعی) سابقه دارند. اینان به "اخلاق" شایسته‌ترند و آبرویشان پاک‌تر است، کمتر در طمع‌کاری هستند و بیشتر به سرانجام کارها می‌نگرند.